

رمضان سبز!؟

دیروز که اخبار افطار دسته جمعی اسیران "اوین" پشت دیوارهای بلند و درهای بسته زندان را می‌خواندم، بی‌اختیار از خود سؤال کردم: "آیا در سفره ضیافت رمضان، سبزی هم دیده می‌شود؟" آیا با بی‌رنگیِ اخلاص می‌توان رنگ سرخ و خونین ستم ورننگ سیاه جهالت و جمود و جنون را زدود؟

چونکه بی رنگی اسیررنگ شد	موسی با موسی درجنگ شد
چون به بی رنگی رسی کان داشتی	موسی و فرعون دارند آشتی
گر ترا آید براین نکته سؤال	رنگ کی خالی بود از قیل و قال
این عجب کاین رنگ از بی رنگ خاست	رنگ با بی رنگ چون در جنگ خاست

اگر از فواید فردی این فریضه فراتر رویم و آن را فرصتِ فکرکردنی برای فردای دنیا و آخرت خود بشماریم، ماه سبزی که از بی رنگی اخلاص سر می‌زند خواهیم داشت و سفره مان را نیز سبزی خواهد گرفت.

از کودکی معلمان دینی، در اوصاف روزه رمضان، به ما گفته بودند که با تجربه کردن تشنگی و گرسنگی، درد محرومان و مستمندان را درک می‌کنید و به یاد آنها می‌افتید. از خود می‌پرسم آیا به راستی ریشه آسیب‌های اجتماعی و علت‌العلل مشکلات و مصیبت‌های امروز ما گرسنگی و گرانی است، یا این‌ها معلول عوامل دیگر است؟

هرچند فقر کمرشکن طبقات محروم و نیازشان به قوت لایموت انکارناشدنی است، اما تشنگی و گرسنگی مردم به آزادی و نیازشان به انصاف و مروّت مسئولان حکومتی اساسی‌تر است. آیا کمبود مواد "غذائی" در جامعه ما آسیب رسان‌تر است، یا کمبود عدالت در دستگاه "قضائی"، و کمبود رحم و عطوفت و انسانیت در دستگاه‌های سرکوب "غزا"ئی؟

عکس و تفصیلاتی که از افطار دسته جمعی خانواده اسیران دیدم، ذهن مرا به مقایسه‌ای دیگر کشاند؛ خطیبان روضه خوان در مجالس ختم و ترحیم عادت دارند برای آرامش خانواده‌های عزادار، گریزی هم به صحرای

کربلا بزنند و با مقایسه‌ای میان عزیز از دست رفته که با آداب و احتراماتی به خاک سپرده شده، با شهیدان به خون خفته و سر بریده در صحرای کربلا که کفن و دفنی هم نداشتند، سکینه‌ای به صاحبان عزابدهند. من نیز افطار خانواده اسیران در بند را که حداقل با صفا و صمیمیت و گرمی گرد سفره‌ای مشترک نشسته بودند، با سفره سرد سلول‌های انفرادی عزیزانشان، که افتخار ملت‌اند، مقایسه کردم. همان‌ها که در شرایط بسیار بحرانی جسمی و روحی قرار دارند و در "زیر زمینی خدا" زیر شکنجه ظالمان فریاد "یا غیاث المستغیثین" (ای فریاد رس فریادهای نجات) سر می‌دهند. از خدای خود شرم کردم و از بی تفاوتی یا کم تفاوتی خود خجل شدم!

این خانواده‌ها حداقل امیدی به دیدار دور یا نزدیک عزیزانشان دارند، آنها که سراغ فرزندانشان را سراسیمه در سردخانه‌های صنعتی می‌گیرند یا سر خاک آنها می‌روند و آنهایی که سنگ قبرشان را هم نمی‌یابند چه رضانی باید از سربگذرانند؟

ما به راستی در این ماه رحمت، چه مهربانی و محبتی در حق این عزیزان و خانواده‌هایشان کرده ایم، و برای نجات ملت از چنین مصیبت و محنتی، چه قدمی و قلمی زده ایم، چه مایه‌ای گذاشته ایم و چه مالی خرج کرده ایم؟

ماه رمضان، ماه تزکیه نفس از طریق تسویه حساب‌های مالی و صاف کردن بستانکاری‌های خود در راه خداست. مردم ما به طور سنتی و به عادت تاریخی، این "وجوهات" را دو دستی تقدیم کسانی می‌کنند که معلوم نیست صلاحیتشان برای تشخیص ضرورت‌های جامعه، بیش از خمس و زکات دهندگان آگاه و تحصیل کرده باشد. آیا تأمین مخارج طلاب حوزه‌های علمیه در اولویت قرار دارد، یا تأمین مایحتاج نهادهای مستقل و مردمی جنبش سبز؟

ماه رمضان، ماه صله رَحِم و رسیدن به خویشاوندان و احسان به آنهاست، آیا نمی‌توان مفهوم خویشاوندی را در دنیای امروز گسترده تر دانست و صله رحم را به تقویت نهادهای مستقل مدنی، تشکیلات سیاسی سالم و تعاونی‌های اجتماعی تسری داد؟ خویشاوندی‌های خونی در پیوند با خویشاوندی‌های ملی با خداپرستی قرابت بیشتری پیدا می‌کند. در هر حال ما سرنوشت مشترکی داریم و همگان بر یک سفینه سواریم. غرق کشتی، غرق همه ملت است.

ماه رمضان، ماه تصفیه بدن از سمومات سال گذشته و تضمین کننده سلامت جسم است. آیا خطرات سهمگین سموماتی که با تزریق خرافات و خیال پردازی های جمعی از خدا بی خبر مصادره کننده مذهب، در فرهنگ جامعه پدید آمده است، بیشتر از خطرات جسمی و فردی آن نیست؟

شرافت رمضان را به شب های "قدر" که تقدیر کننده سرنوشت اش شمرده اند می دانند. آیا می توان امیدوار بود خداوند به همت جوانانی که جان خود را در جستجوی رضایتش نثار می کنند و آزادی و عدالت و حاکمیت ملت بر سرنوشت خویش را طلب می کنند، رهائی مردم ما را از ظلم و جهل در این ماه رقم زند؟

سحر خیزان رمضان با قرآن سرگرفتن در شب های قدر، به شکلی سنتی تقدیری بهتر را آرزو می کنند، آیا می توان بازگشت واقعی به قرآن را از طریق زیر پانهادن بدعت هایی که به نام دین در این سی ساله سبب سیه روزی ملت شده تحقق بخشید؟

همزمانی شهادت شمع شاهدان راه حق با شب های قدر، تقدیر امت را با الگو گرفتن از شخصیت های عالی "قَدَر" گره زده است، آیا می توان از تجربه آزادی خواهانه و عدالت طلبانه علی^(ع) آن اُسوه انسانیت، کثر راهه های پیموده شده را اصلاح کرد؟

این ماه را "زیباترین روح پرستنده" (به تعبیر زنده یاد شریعتی) در استقبال از رمضان؛ ماه اسلام (تسلیم نفس خود به خدا)، ماه طهور (پاک شدن از همه پلیدی ها)، ماه تمحیص (پالایش و تصفیه از همه ناخالصی های شرک و شخصیت پرستی)، و بالاخره ماه قیام (خیزش همگانی) نامیده است. از خدا می خواهیم ما را شایسته نائل شدن به این آرمان ها قرار دهد و عید فطرمان را با پایان دادن به عزای ملی و جشن پیروزی ملت همراه سازد.